

## حماسه تیم ملی فوتبال ایران مقابل بلژیک

با هنر نمایی خیره‌کننده علیرضا بیرانوند

# دست خدا



مهدی طاهرخانی

از همان روزی که قرعه‌ها جام جهانی ۲۰۲۶ مشخص شد و بلژیک در کنسار ایران قرار گرفت، بسیاری معتقد بودند سرنوشت تیم ملی نه مقابل نیوزیلند و نه حتی برابر مصر، بلکه در نبرد با ششاپلین سرخ اروپا رقم خواهد خورد. بلژیک نام بزرگی در فوتبال جهان است؛ تیمی که طی سال‌های اخیر همواره در بین مدعیان بوده و نسل طلایی فوتبال این کشور هنوز آخرین نفس‌های خود را می‌کشد. برای همین هم بود که وقتی ایران در بازی نخست برابر نیوزیلند متوقف شد، نگرانی‌ها به لوج رسید. تسلای مقابل نیوزیلند فقط از دست رفتن ۲ امتیاز نبود، آن نتیجه بسیاری از معادلات را به هم ریخت. ناگهان دیدار با بلژیک از یک مسابقه دشوار به یک فینال زده‌نگام تبدیل شد. همه می‌دانستند شکست در این بازی می‌تواند شانس صعود ایران را ناآشنا زبانی از بین ببرد و تیم ملی را در وضعیتی قرار دهد که سرنوشتش دیگر از اختیار خودش نباشد. اما نگرانی‌ها فقط به جدول مسابقات محدود نمی‌شد. فوتبال ایران ماه‌های دشواری را پشت سر گذاشته بود؛ جنگ، توقف مسابقات، بلاتکلیفی باشگاه‌ها و دوری طولانی بازیکنان داخلی از شرایط مسابقه، همه دست به دست هم داده بود تا تیم ملی در بدترین وضعیت ممکن راهی جام جهانی شود. بخش بزرگی از بازیکنان لیگ کر برتر از ماه‌ها قبل دیگر مسابقه رسمی انجام نداده بودند. بسیاری از لژیونرها نیز با نیک‌تشنین بودند یا مصدومیت دست و پنجه نرم می‌کردند. هر چه به آغاز جام جهانی نزدیک‌تر می‌شدید، امیدها کمتر و تردیدها بیشتر می‌شد. کار به جایی رسید که عده‌ای حتی معتقد بودند نباید از تیم ملی انتظار نتیجه داشت. می‌گفتند ایران برای فوتبال به جام جهانی نمی‌رود. می‌دوید تا فقط حضور داشته باشد. می‌رود تا نشان دهد هنوز پابرجاست. می‌رود تا پیام‌های دیگری را منتقل کند. انگار از قبل پذیرفته شده بود در زمین فوتبال حرف چندانی برای گفتن نخواهیم داشت.

اما فوتبال بارها ثابت کرده بزرگ‌ترین دشمن پیش‌بینی‌هاست. آنچه یکشنبه‌شب در لس‌آنجلس رخ داد، فقط یک تساوی بدون گل نبود. آنچه دیدیم احیای اعتبار فوتبال ایران بود. نمایشی بود که به همه یادآوری کرد این فوتبال، با همه ضعف‌ها و مشکلاتش، هنوز توانایی رقابت با بهترین‌های دنیا را دارد. بلژیک مطابق انتظار مالکیت توپ بیشتری داشت. میانه میدان را در اختیار گرفت و بارها تا پشت محوطه جریمه ایران پیش آمد اما فاصله میان «رئسیدن به محوطه جریمه» و «خلق موقعیت گل» کم نیست. بلژیک اگرچه بازی را کنترل می‌کرد اما در خلق موقعیت‌های جدی ناتوان بود. شاید ۲-۳ فرصت واقعی برای گلزنی به دست آورد؛ فرصت‌هایی که هر بار با واکنش‌های فوق‌العاده علیرضا بیرانوند از بین رفت. دروازه‌بان تیم ملی بی‌تردیدی یکی از بهترین نمایش‌های دوران حرفه‌ای خود را ارائه داد. بیرانوند در شش از هفت فرصت‌های عالی‌ه‌ای که در اختیارش قرار داد، با مهارت و دقت تمام خط دفاع منتقل کرد. اما اگر بیرانوند ستاره دروازه بود، در مقابل مدافعان ایران نیز شب کم‌نقصی را پشت سر گذاشتند. شجاع خلیل‌زاده و حسین کنعانی‌زادگان با وجود تمام انتقادهایی که در سال‌های اخیر متوجه آنها بوده، یکی از بهترین زوج‌های دفاعی جام را به نمایش گذاشتند. آنها مقابل مهاجمان با تجربه و گران‌قیمت بلژیک ایستادند و اجازه ندادند جریان بازی به سمت دروازه ایران سرازیر شود. البته ایران فقط برای دفاع کردن هم نیامده بود. این شاید مهم‌ترین نکته بازی بود. تیم ملی نه تنها مقاومت کرد، بلکه حمله هم کرد. موقعیت ساخت، ضدحمله زد. بلژیک را وادار به عقب‌نشینی کرد. مهدی طارمی حتی موفق شد دروازه حریف را باز کند اما چند سانتیمتر حضور در آفساید، یکی از زیباترین صحنه‌های جام را به گل تبدیل نکرد. در لحظاتی از مسابقه حتی این احساس به وجود آمد که تیمی که به گل نزدیک‌تر است، ایران است نه بلژیک. مخصوصاً بعد از ۱۰ نفره شدن حریف.

همین مساله باعث شد پایان مسابقه با حسی عجیب همراه باشد؛ حسی شبیه حسرت. نه حسرت بابت یک شکست، بلکه حسرت بابت نبردی که می‌شد در آن پیروز شد. کمتر کسی قبل از شروع مسابقه چنین تصویری داشت. بسیاری امیدوار بودند ایران با حداقل گل خورده از این بازی خارج شود اما وقتی سوت پایان به صدا درآمد، این سؤال در ذهن خیلی‌ها شکل گرفت: چرا نتوانستیم بلژیک را ببریم؟ این سؤال خود بزرگ‌ترین دستاورد تیم ملی است. در جام جهانی هیچ چیز ارزشمندتر از این نیست که مردم کشورت بعد از بازی مقابل یکی از قدرت‌های فوتبال دنیا بابت نبرد حسرت بخورند، نه به نیت باختن. جام جهانی محل آزمون و خطا نیست. محل تجربه و نیست. ویتترین فوتبال یک کشور است. اینجا جایی نیست که بازیکنان را آرام‌آرام آماده کنیم یا فرصت اشتباهات متوالی بدهیم. یک‌اشتباه کوچک می‌تواند به شکستی سنگین تبدیل شود. شکستی

که نه فقط یک تیم، بلکه روحیه یک ملت را تحت تأثیر قرار دهد. ما این تجربه را در قطر داشتیم. شکست سنگین برابر انگلیس، پیش از آنکه ۳ امتیاز از ایران بگیرد، روحیه تیم را شکست. حتی پیروزی ارزشمند برابر ولز نیز نتوانست فضای ناامیدی را از بین ببرد. آن شکست سنگین، مسیر جام جهانی را برای ایران تغییر داد. این بار اما ماجرا متفاوت بود؛ ایران مقابل یکی از قدرتمندترین تیم‌های جهان ایستاد، چنجنگید که فقط زنده بماند، بلکه چنجنگید تا برنده شود. این تفاوت بزرگی است که نباید از کنار آن ساده عبور کرد. اکنون با پیروزی مصر برابر نیوزیلند، همه چیز به روز آخر کشیده شده است. تیم ملی این فرصت را دارد که با پیروزی مقابل مصر به عنوان صدرنشین راهی مرحله بعد شود. حتی تساوی نیز می‌تواند شانس صعود را زنده نگه دارد. اما شاید مهم‌تر از معادلات جدول، چیزی باشد که در ذهن مردم شکل گرفته است: امید. چند روز قبل کمتر کسی از صعود حرف می‌زد. امروز اما



میلیون‌ها ایرانی با اشتیاق منتظر بازی با مصر هستند. نه از روی احساسات بی‌پایه، بلکه به دلیل آنچه در زمین دیدند. آنها دیدند تیم ملی می‌تواند دفاع کند. دیدند می‌تواند موقعیت بسازد. دیدند می‌تواند مقابل تیم‌های بزرگ کم نیلورد. دیدند هنوز چیزی به نام فوتبال ایران وجود دارد که می‌تواند باعث غرور شود. در روزگاری که مردم ایران ماه‌هاست زیر بار اخبار تلخ نگرانی‌های اقتصادی، تنش‌های سیاسی و آثار جنگ روزگار می‌گذرانند، شاید یک مسابقه فوتبال نتواند مشکلات را حل کند اما می‌تواند برای چند ساعت امید بیافریند. می‌تواند لبخند ایجاد کند. می‌تواند به یک ملت یادآوری کند هنوز هم لحظاتی برای افتخار وجود دارد. شامگاه یکشنبه در لس‌آنجلس تیم ملی ایران قهرمان جهانی شد. حتی صعودش را هم قطعی نکرد اما کاری کرد که شاید در این روزها از هر نتیجه‌ای مهم‌تر باشد. مردم را دوباره به فوتبال امیدوار کرد. و حالا همه چشم‌ها به بازی با مصر دوخته شده است. به امید آنکه این امید، با یک پیروزی بزرگ کامل شود.

### بررسی وضعیت صعود تیم ملی به مرحله بعد

## رؤیای صدرنشینی در دسترس

دور بعد قطعی شده و نه حذف از این رقابت‌ها. در چنین فضایی، بازی آخر مرحله گروهی در این گروه به یک نبرد تمام‌عیار تبدیل شده؛ جایی که هر گل داشت و باعث شد مصری‌ها خود را در موقعیت مناسبی برای صدرنشینی قرار دهند. از سوی دیگر ایران پس از تساوی پرگل برابر نیوزیلند، مقیار بلژیک نمایش منظم‌تری داشت و موفق شد یکی از مدعیان فوتبال اروپا را متوقف کند. همین نتیجه حالا ارزش زیادی پیدا کرده، زیرا معادلات صعود را به سود تیم ملی تغییر داده است. سناریوی ایده‌آل برای ایران روشن است؛ شکست مصر در آخرین مسابقه اگر تیم ملی بتواند ۳ امتیاز کامل این دیدار را به دست آورد، بدون توجه به سایر

نتایج راهی مرحله حذفی خواهد شد و حتی امکان صدرنشینی نیز برایش وجود دارد. صدرنشینی می‌تواند مسیر ساده‌تری در دور بعد ایجاد کند و حریفان کم‌خطرتری را مقابل ایران قرار دهد. اما جذاب‌ترین بخش ماجرا این است که صعود فقط از مسیر برد نمی‌گذرد و تساوی برابر مصر نیز می‌تواند کلفی باشد. در صورتی که بازی هم‌زمان میان بلژیک و نیوزیلند با نتیجه مساوی خاتمه پیدا کند، ایران با حفظ شرایط فعلی جدول شانس بالایی برای قرار گرفتن در رتبه دوم خواهد داشت. این یعنی تیم ملی می‌تواند بدون کسب حتی یک پیروزی در مرحله گروهی، جواز حضور در مرحله حذفی را به دست آورد؛ اتفاقی کم‌سابقه

که قطعاً توجه بسیاری را جلب خواهد کرد. البته مسیرهای دیگری هم برای عبور از این مرحله وجود دارد. حتی اگر بلژیک موفق به شکست نیوزیلند شود و ایران تنها یک امتیاز از مصر بگیرد، احتمال صعود از مسیر تیم‌های سوم برتر زنده خواهد ماند. فرمت جدید جام جهانی فرصت بیشتری در اختیار تیم‌ها قرار داده و باعث شده ۳ یا ۴ امتیاز نیز در بسیاری از گروه‌ها برای بقا در مسابقات کافی باشد. با این حال خطر همچنان در کمین است. شکست مقابل مصر می‌تواند همه معادلات را بر هم بزند و ایران را وارد منطقه‌ای خطرناک کند. در چنین شرایطی امید به نتایج سایر

۲ مسابقه ابتدایی قابل توجه در مرحله گروهی رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶، تصویری متفاوت از وضعیت تیم ایران در این رقابت‌ها ترسیم کرد. تیمی که پیش از آغاز مسابقات با تردیدهای فراوان راهی آمریکا شد، حالا در آستانه ثبت یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های تاریخ خود در این رقابت‌ها قرار دارد. بلژیک در این دیدار آخر هم نتواند نتیجه‌ای در دسترس تیم خود به دست آورد. هر ۴ تیم حاضر در آن هنوز برای رسیدن به دور بعد امیدوارند. تساوی بدون گل ایران برابر بلژیک و پیروزی ۳ بر یک مصر مقابل نیوزیلند، جدول را به شکلی درآورده که هیچ تیمی نه صعودش به

### گزارش «وطن امروز» از چالش وابستگی‌های تجاری در اقتصاد ایران

## آزمون تاب‌آوری اقتصاد

شده؛ کشوری که در مقاطع مختلف هم شریک اقتصادی مهم ایران بوده و هم در برخی پرونده‌های امنیتی و منطقه‌ای در موضعی متفاوت از ایران قرار داشته است. برآوردها نشان می‌دهد سهم این کشور در برخی دوره‌ها به حدود ۱۴ درصد صادرات و نزدیک به ۳۰ درصد واردات ایران رسیده است. چنین تمرکزی از منظر مدیریت ریسک اقتصادی قابل تأمل است.

موضوع صرفاً به حجم مبادلات محدود نمی‌شود. بخش مهمی از تسویه‌های تجاری، نقل و انتقال‌های مالی و مسیرهای واسطه‌ای تجارت ایران نیز به شبکه‌هایی وابسته شده که در شرایط چالشی و سخت می‌توانند با محدودیت یا اختلال روبه‌رو شوند. تجربه اخیر نشان داد هنگامی که تنش‌های سیاسی و امنیتی افزایش می‌یابد، آنگاه به تعداد محدودی کتال تجاری و مالی، هزینه‌های مضاعفی بر فعالان اقتصادی تحمیل می‌کند.

**■ هشدار که سال‌ها پیش داده شده بود**  
نکته قابل توجه اینکه این آسیب‌پذیری موضوع تازه‌ای نیست؛ در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که سال ۱۳۹۲ ابلاغ شد، به صراحت بر تنوع‌بخشی به مبادی وارداتی، کاهش وابستگی به کشورهای محدود، توسعه پیوندهای اقتصادی با کشورهای مختلف بویژه منطقه و استفاده از سازوکارهای تهازی تأکید شده بود. در واقع بخشی از فلسفه اقتصاد مقاومتی بر این اصل استوار است که اقتصاد ایران نباید به یک مسیر یا یک بازیگر خارجی وابسته شود. همانگونه که یک کشور خریدمند همه محصولات خود را از یک زمین یا یک فصل متمرکز نمی‌کند، یک اقتصاد ملی نیز نباید تمام ظرفیت تجاری خود را به چند کتال محدود متمرکز کند.

تحولات اخیر نشان داد این توصیه‌ها صرفاً یک نگاه نظری یا آرمانی نبوده است. آنچه در این شرایط دشوار رخ داد، اهمیت عملی تنوع در مبادی واردات، بازارهای صادراتی و روش‌های تسویه را به خوبی آشکار کرد.

**■ فرصت تنفس یا بازگشت به گذشته**  
پس از هر دوره تنش، معمولاً ۲ تا ۳ سوسه در برابر سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد؛ نخست آنکه همه چیز را به وضعیت پیش از بحران بازگردانند و دوم آنکه

**گروه اقتصادی:** اقتصاد ایران در سال‌های اخیر بارها با این واقعیت روبه‌رو شده که ریسک‌های ژئوپلیتیکی بخشی از محیط دائمی تصمیم‌گیری اقتصادی کشور در منطقه غرب آسیا به شمار می‌روند. تحریم‌ها، تنش‌های منطقه‌ای، محدودیت‌های بانکی، اختلال در مسیرهای تجاری و نااطمینانی‌های امنیتی، همگی نشان داده‌اند پایداری اقتصاد ملی بیش از هر زمان دیگری به میزان آمادگی آن در برابر شوک‌های خارجی وابسته است.

در چنین شرایطی، هر توافق یا تفاهم سیاسی که بتواند از شدت تنش‌ها بکاهد، طبعاً فرصتی ارزشمند برای تنفس اقتصاد محسوب می‌شود. با این حال تجربه تاریخی ایران و بسیاری از کشورهای درگیر منازعات ژئوپلیتیکی نشان می‌دهد دوره‌های آرامش نسبی، اگر به بازیگر راهبردها منجر نشوند، گاه به زمینه‌ساز آسیب‌پذیری‌های بزرگ‌تر تبدیل می‌شوند. مساله اصلی امروز این نیست که تفاهم احتمالی چه میزان از فشارهای موجود را کاهش خواهد داد، بلکه مساله مهم‌تر آن است که ایران چگونه از این فرصت برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی خود بهره خواهد گرفت.

در این میان یکی از مهم‌ترین درس‌های ماه‌های گذشته به ساختار تجارت خارجی کشور بازمی‌گردد؛ ساختاری که در برخی بخش‌ها همچنان به تعداد محدودی مسیر، بازار و سازوکار مالی وابسته است. همین وابستگی‌ها در شرایط پرچالش می‌توانند به نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد تبدیل شوند و هزینه‌هایی به مراتب فراتر از برآوردهای اولیه ایجاد کنند.

**■ اقتصاد در برابر واقعیت ژئوپلیتیکی**  
اقتصادهای بزرگ جهان نیز از تحولات سیاسی و امنیتی تأثیر می‌پذیرند اما تفاوت اصلی میان کشورهای در نحوه مدیریت این ریسک‌ها است. برخی کشورها تلاش می‌کنند هزینه وابستگی به یک مسیر، یک شریک تجاری یا یک نظام مالی خاص را کاهش دهند و برخی دیگر عملاً بخش مهمی از تجارت خود را به چند گلوگاه محدود گره می‌زنند.

برای ایران این موضوع اهمیتی مضاعف دارد. طی سال‌های گذشته بخش قابل توجهی از تجارت خارجی کشور از طریق امارات عربی متحده انجام

نوسان‌های غیرمنطقی و در نهایت، بهبود کارایی کل نظام اقتصادی خواهد شد.

### ■ فرجام سخن

شکل‌گیری دوره پساتفاهم در هر زمان و با هر کیفیتی که رخ دهد، به معنای پایان یافتن چالش‌های اقتصادی ایران نیست. این دوره در واقع آغاز مرحله‌ای جدید است که مسیر آن به نحوه بهره‌برداری از فضای ایجادشده بستگی دارد. اگر کاهش تنش‌ها تنها به احیای الگوهای پیشین تجارت خارجی بینجامد، بسیاری از آسیب‌پذیری‌های ساختاری اقتصاد همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند. در چنین حالتی، امکان تکرار فشارهای مشابه در آینده دور از انتظار نخواهد بود و فرصت‌های حاصل از آرامش موقت، بدون آنکه به اصلاح ریشه‌های ناپایدار بینجامد، از دست خواهند رفت.

در مقابل، اگر این دوره به عنوان بستری برای تغییرات اساسی در نظر گرفته شود، می‌تواند زمینه‌ساز تحولاتی پایدار شود. تنوع‌بخشی به شرکای تجاری، گسترش مسیرهای حمل‌ونقل جایگزین، اصلاح سازوکارهای مالی و پولی و تقویت بنیان‌های تولیدی از جمله اقداماتی هستند که در چنین فضایی قابلیت اجرا می‌یابند. این رویکرد، دوره پساتفاهم را از یک وقفه موقت به نقطه عطفی برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی تبدیل می‌کند به شرط آنکه تصمیم‌گیرندگان از تکرار راهکارهای گذشته پرهیز کرده و به بازطراحی الگوهای تعامل اقتصادی روی آورند.

تجربه سال‌های اخیر نشان داده است اقتصاد ایران ظرفیت عبور از فشارهای بیرونی را داشته است اما مساله اصلی امروز، فراتر از مدیریت چالش‌ها به کاربست درس‌های این تجربه به‌زمن بازمی‌گردد. آنچه در اولویت قرار دارد، شکل‌دهی به ساختاری مقاوم‌تر و هوشمندانه‌تر برای مواجهه با آینده است؛ ساختاری که بر پایه تنوع‌بخشی، انعطاف‌پذیری عملیاتی و آمادگی مستمر در برابر شوک‌های احتمالی استوار باشد. در جهانی که نااطمینانی به ویژگی دائمی آن تبدیل شده، امنیت اقتصادی حاصل برآیندی از مجموعه‌ای از ظرفیت‌های چندگانه و به‌روز خواهد بود.

از سوی دیگر خوش‌بینی افراطی نیز می‌تواند آثار مخربی داشته باشد. تصور پایان همه محدودیت‌ها معمولاً موجب می‌شود اصلاحات ضروری به تعویق بیندند و برنامه‌ریزی بلندمدت جای خود را به مصرف کوتاهمدت فرصت‌ها بدهد. در چنین شرایطی، اقتصاد ممکن است در برابر شوک بعدی غافلگیر شود.

### ■ اقتصاد به آرامش نیاز دارد

قابلیت پیش‌بینی آینده، یکی از ارکان بنیادین هر نظام اقتصادی به شمار می‌رود. سرمایه‌گذار برای تخصیص منابع، تولیدکننده برای برنامه‌ریزی تولید، صادرکننده برای عقد قراردادهای بلندمدت و خانوارها برای مدیریت بودجه و مصرف، همگی به افقی نیاز دارند که تا حدی روشن و قابل اتکا باشد. وقتی این افق دچار ابهام یا تحریف شود، هزینه مبادله در تمام سطوح اقتصاد افزایش می‌یابد، زیرا هر بازیگر اقتصادی ناگزیر می‌شود ریسک بیشتری را در محاسبات خود لحاظ کند یا از انجام معاملات سودآور چشم‌پوشد.

مدیریت انتظارات عمومی، از این دیدگاه، در کنار مدیریت فضای ترس، رفتارهای غیرعقلانی تولید جایگاهی هم‌تراز و حیاتی پیدا می‌کند. ایجاد هراس فراگیر در میان فعالان اقتصادی، هزینه‌های روانی و رفتاری سنگینی به دنبال دارد و اعتماد متقابل میان بازیگران را خدشه‌دار می‌کند. از سوی دیگر، فروش رویاهای دست‌افتنی‌تایی و بزرگ‌نمایی خوش‌بینانه، هر چند ممکن است در کوتاهمدت شور و هیجان ایجاد کند اما در عمل به کاهش کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و تضعیف سرمایه اجتماعی می‌انجامد، چراکه شاک میان وعده و واقعیت، هزینه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر اقتصاد تحمیل می‌کند.

اقتصاد ایران در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر به رویکردی واقع‌بینانه محتاج است. این واقع‌بینی نه به معنای چشم‌پوشی از خطرات و موانع موجود است و نه نادیده گرفتن فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و واقعییتی کارآمد، تصویری متوازن از وضعیت ارائه می‌دهد؛ تصویری که هم تلخی‌های قابل‌پیش‌بینی را بازگو می‌کند و هم زمینه‌های امیدوارکننده را بدون اغراق نشان می‌دهد. چنین نگاهی زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های عقلانتر، کاهش

**■ چین و روسیه در معادله جدید**  
در شرایط کنونی بازتعریف روابط اقتصادی خارجی ایران نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. طی سال‌های اخیر تحولات بین‌المللی موجب شده نقش اقتصادهای غیرغربی در تجارت جهانی افزایش یابد. چین اکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری بسیاری از کشورهای جهان است و روسیه نیز در حال بازطراحی بخش مهمی از روابط اقتصادی خود با آسیا و منطقه اوراسیاست.

برای ایران، همکاری با این ۲ کشور زمانی ارزش راهبردی پیدا می‌کند که از سطح مبادلات صرف تجاری فراتر رود و به حوزه‌هایی مانند سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری، توسعه زیرساخت‌ها، انرژی، حمل‌ونقل و همکاری‌های مالی گسترش یابد.

البته موفقیت در این مسیر مستلزم برهیز از وابستگی جدید است. همانگونه که تمرکز بیش از حد بر یک شریک تجاری می‌تواند آسیب‌زا باشد، جایگزین کردن یک وابستگی با وابستگی دیگر نیز راه‌حل مناسب نمی‌شود. اصل بنیادین همچنان تنوع‌بخشی و حفظ انعطاف‌پذیری اقتصادی است.

### ■ روایت برهیز نه

در فضای عمومی کشور درباره آینده اقتصاد پس از تفاهم احتمالی، ۲ روایت افراطی بیش از سایر دیدگاه‌ها جلب توجه می‌کند. روایت نخست بر این فرض استوار است که هر لحظه احتمال بازگشت درگیری‌ها وجود دارد، بنابراین باید اقتصاد را در وضعیت اضطرار دائمی تصور کرد. روایت دوم در نقطه مقابل قرار دارد و توافق را آغاز کرده و روسیه منابع، رفع محدودیت‌ها و ورود گسترده سرمایه خارجی معرفی می‌کند.

مشکل هر ۲ نگاه این است که تصمیم‌گیری اقتصادی را از واقعیت‌های موجود دور می‌کنند. اقتصاد در فضای ترس، رفتارهای غیرعقلانی تولید می‌کند. وقتی جامعه آینده را به شدت ناامن تصور کند، تقاضا برای دارایی‌های محافظه‌کارانه افزایش می‌یابد، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد، انتظارات تورمی تشدید می‌شود و بخشی از منابع از فعالیت‌های مولد فاصله می‌گیرند. تجربه بازارهای ارز، طلا و مسکن در دوره‌های مختلف کشور بارها این واقعیت را نشان داده است.